****

[ادامه بحث وقوف در عرفات با عامه 1](#_Toc488768298)

[کلام آیت الله شاهرودی 1](#_Toc488768299)

[نقد کلام آیت الله شاهرودی 1](#_Toc488768300)

[نقد کلام آیت الله سیستانی در استشهاد به کلمات فقهاء در عصر غیبت 3](#_Toc488768301)

**موضوع**: احکام وقوف /وقوف در عرفات /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بحث وقوف در عرفات با عامه

بحث در اجزاء وقوف با عامه بود در فرض عدم ثبوت هلال، گفتیم آیت الله شاهرودی و سیستانی در استدلال به سیره اشکال کردند.

### کلام آیت الله شاهرودی

معلوم نیست که اصحاب ائمه به هنگام اختلاف، احتیاط نمی کرده اند، احتیاط در شرایط تقیه که اعلام عمومی نمی شود، بلکه امر سرّی است تا حساسیت عامه بر انگیخته نشود.

علاوه بر این که معلوم نیست که در آن زمان در رابطه با وقوف با شیعه سختگیری شده باشد، بعد از این که هر دو روز نهم را عرفه می دانند و فقط اختلاف در صغری داشتند، لذا شاید شیعه در روز بعد از وقوف عامه، وقوف می کرده است.

#### نقد کلام آیت الله شاهرودی

خلفاء و حکام، شیعه را آزاد نمی گذاشتند که بتوانند هر وقت خواستند وقوف کنند و گرنه در تاریخ مطرح می­شد، و این که فرمود شاید احتیاط می کرده اند و خبرش به ما نرسیده، ناتمام است، زیرا وقتی به شکل گسترده عده زیادی احتیاط کرده باشند، در تاریخ نقل می شد.

آیت الله سیستانی فرموده اصلا معلوم نیست که در آن زمان اختلافی بین شیعه و عامه پیش می آمده است و گرنه اگر اختلافی می شد، حتما در یک روایتی از امام علیه السلام سوال می شد و حتی در عصر غیبت در زمان فقهاء متقدمین هم این اختلاف مطرح نبوده است، و گرنه فقهاء در کتب خود ذکر می کردند، علامه و شهید اول در دروس به نحوی این مساله را مطرح کرده اند که گویا چنین اختلافی اصلا بین شیعه و عامه پیش نمی آمده است،

مرحوم علامه حلی در تذکره فرموده است: لو غمّ الهلال ليلة الثلاثين من ذي القعدة، فوقف الناس تاسع ذي الحجة، ثم قامت البيّنة أنّه العاشر، فالوجه: فوات الحجّ‌ إذا لم يتّفق له الحضور بعرفة و لا المشعر قبل طلوع الشمس، لقوله عليه السّلام: (الحجّ عرفة) و لم يدركها. و قال الشافعي: يجزئهم، لقول النبي صلّى اللّه عليه و آله: (حجّكم يوم تحجّون). و لأنّ ذلك لا يؤمن مثله في القضاء مع اشتماله على المشقّة العظيمة الحاصلة من السفر الطويل و إنفاق المال الكثير. قال: و لو وقفوا يوم التروية، لم يجزئهم، لأنّه لا يقع فيه الخطأ، لأنّ نسيان العدد لا يتصوّر من العدد الكثير- و العدد القليل يعذرون في ذلك- لأنّهم مفرطون، و يأمنون ذلك في القضاء. و لو شهد اثنان عشيّة عرفة برؤية الهلال و لم يبق من النهار و الليل ما يمكن الإتيان إلى عرفة، اجتزأ بالمزدلفة. و قال الشافعي: يقفون من الغد. و لو أخطأ الناس أجمع في العدد فوقفوا غير يوم عرفة، لم يجزئهم. و قال بعض العامّة: يجزئهم، لأنّ النبي صلّى اللّه عليه و آله قال: (يوم عرفة الذي يعرف الناس فيه). و إن اختلفوا فأصاب بعضهم و أخطأ بعض، لم يجزئهم، لأنّهم غير معذورين في هذا. و لو شهد واحد أو اثنان برؤية هلال ذي الحجّة و ردّ الحاكم شهادتهما، وقفوا يوم التاسع على وفق رؤيتهم و إن وقف الناس يوم العاشر عندهما، و به قال الشافعي. و قال محمد بن الحسن: لا يجزئه حتى يقف مع الناس يوم العاشر، لأنّ الوقوف لا يكون في يومين، و قد ثبت في حقّ الجماعة يوم العاشر. و نمنع كونه لا يقع في يومين مطلقا، لإمكانه بالنسبة إلى شخصين، لاختلاف سبب الوجوب في حقّهما، و الأصل فيه أنّ الوقوف في نفس الأمر واحد و تعدّد بالاشتباه، كالصلاة المنسيّة.[[1]](#footnote-1)

علامه حلی در همه موارد خلاف واقع، فرموده وقوف مجزی نیست.

آیت الله سیستانی فرموده این که شافعی گفت اگر مردم، روز هشتم ذی الحجة به خیال این که روز نهم است، وقوف کنند، مجزی نیست، چون نسیان عدد در افراد زیاد تحقق پیدا نمی کند، اگر واقعا اختلاف بین شیعه و عامه در زمان علامه رایج بود، چگونه علامه کلام شافعی را نقل می کند و تعلیقی بر آن نمی زند به این که مگر این اشتباه منحصر به نسیان عدد است؟ بلکه ممکن است به اشتباه در حکم حاکم مستند باشد، لذا معلوم می شود در آن زمان چنین چیزی رایج نبوده است.

#### نقد کلام آیت الله سیستانی در استشهاد به کلمات فقهاء در عصر غیبت

اختلاف عامه با شیعه بحث دیگری است که علامه به صدد ذکر آن نبوده است، بلکه به صدد ذکر محل اختلاف بین خود عامه بوده است، شاید این که علامه و شهید اول اختلاف عامه و شیعه را نقل نکرده اند نیز این بوده که برایشان وجوب تبعیت از حکم حاکم واضح بوده است و این که بگوییم در آن زمان هیچ اختلافی نبوده و در زمان های اخیر اختلاف های فراوان پیش آمده است، موهوم می باشد، و نقل خواهیم کرد که در زمان هایی اختلاف رایج بود که حتی وهابیون در حجاز حاکم نبودند و تابع فقه احمد بن حنبل نبودند.

یا این که ایشان فرموده شهید ثانی با لو فرضیه این مساله را مطرح کرده است، و معلوم می شود این مساله در آن زمان تحقق نمی یافته، ناتمام است، زیرا معنای لو این نیست که فلان مطلب نادر الوجود است، بلکه تعبیر لو در کلمات صاحب جواهر هم آمده و خود صاحب جواهر می گوید وقوف با عامه مجزی نیست و قطعا در زمان صاحب جواهر و حوالی آن، اختلاف بین شیعه و سنی در وقوف رایج بوده، لو دلیل بر پیش نیامدن یک قضیه نیست.

ما خیلی بعید می دانیم که در زمان ائمه علیهم السلام در طول 250 سال، هیچ اختلافی پیش نیامده باشد و بر شیعه هم ثابت شده باشد، همیشه که هوا صاف نبوده، بسیاری از موارد هوا ابری می بوده و ثابت نمی شده است.

و اما این که از مردم از ائمه علیهم السلام سوال نکرده اند شاید از این جهت بوده که سوال پیش نمی­آمده، زیرا ائمه علیهم السلام و اصحابشان در همان روزی که عامه وقوف می کردند، همراه با عامه وقوف می کردند و دیگر برای مردم سوال پیش نمی آمد.

قبل از ابوحنیفه هم در مکه و مدینه، فقه مالک حاکم بوده که به شهادت یک یا دو نفر هم اعلام ثبوت هلال می کردند.

خیلی بعید است که در ماه رمضان فراوان اختلاف شده باشد، اما در ذی الحجة هیچ گاه اختلاف نشده باشد.

بله، در اعصار متاخره فتاوای فقهاء به عدم اجزاء، سبب تشتتی در نظر شیعه شده است، مثل صاحب جواهر و شهید و علامه و شیخ انصاری و ... زیرا فقهاء علی القاعده حساب کردند که وقوف با عامه بدون ثبوت شرعی روز عرفه، مجزی نیست و لذا شیعیان دچار مشکل شدند، در زمان این فقهاء، اختلاف زیاد پیش می آمده است، با این که فقه شافعی و مالک و ابو حنیفه حاکم بوده است و وهابیون که تابع فقه احمد بن حنبل هستند، بعد از این زمان در حجاز حاکم شدند.

لذا شیعه در زمان این فقهاء، عملا احتیاط می کرده است، مرحوم میرحامد صاحب کتاب عبقات الانوار که سال 1382 ه ق حج مشرف شده می گوید: عامه روز هشتم ذی حجة را روز عرفه اعلام کردند، ولی ما نمی توانیم با آن ها وقوف کنیم، چون آن ها از مکه خارج شدند، ما هم پس از نماز عشاء محرم شدیم و اوائل شب به منی رسیدیم، برخی حجاج ایرانی در منی ماندند و ما قبل از طلوع آفتاب به عرفات رسیدیم، در آخرین لحظات امروز که روز هشتم شرعی است، اهل سنت عرفات را ترک کردند، اما حجاج ایرانی و هندی و همه پیروان مذهب امامیه در عرفات ماندند و با عامه به مشعر نرفتند.

فرهاد میرزا در سال 1392 ه ق به حج مشرف شده و می گوید: من روز پنجشنبه را اول ذی حجه می دانم، اهل شیعه از هر بلادی که حدودا 5 هزار نفر بودند از من استعلام کردند و گفتم من امروز به عرفات نمی روم و همه متابعت من کردند و کسی از مکه حرکت نکرد، بر خلاف اهل سنت که به عرفات رفتند.

نائب الصدر شیرازی در سال 1305 در سفرنامه خود می گوید 30 هزار شیعه در عرفات در روز عرفه واقعی ماندند و در همه موارد اختلاف، شیعه همین گونه رفتار می کند.

این تکرار اختلاف در زمان 1292 تا 1305 که قبل از حکومت وهابیون بوده که آیت الله سیستانی می­گوید این ها تابع فقه احمد بن حنبل بودند.

حتی در تاریخ آمده که در زمان علامه مجلسی این اختلاف پیش آمد و ایشان بر خلاف برخی دیگر از علماء، حکم به اجزاء کرده است.

برخی به آیت الله سیستانی جواب می دهند که بر فرض که بپذیریم که خلفاء بنی امیه و بنی العباس سختگیری در امر هلال می کرده اند، اما باز هم مشکل باقی است، شاید در مواردی هلال برای ائمه علیهم السلام ثابت می شده است، اما عامه سختگیری می کرده اند و دیرتر اعلام ثبوت هلال می کرده اند.

ولی به نظر این اشکال بر آیت الله سیستانی ناتمام است، زیرا اگر چنین بوده باشد، شاید ائمه علیهم السلام احتیاط می کرده اند، و وقتی به مشعر می رسیده اند، نیت وقوف به مشعر می کرده اند و وقوف اضطراری مشعر را درک می کردند و فوت عرفه هم اضطراری بوده است.

1. [تذكرة الفقهاء (ط - الحديثة)؛ ج‌8؛ 190؛ مسألة 540: لو غم الهلال ليلة الثلاثين من ذي القعدة، فوقف الناس تاسع ذي الحجة، ثم قامت البينة أنه العاشر، فالوجه: فوات الحج ؛ ج 8، ص : 190](http://lib.eshia.ir/10075/8/190) [↑](#footnote-ref-1)